

Study of the World War I Effects on the Social Structures of the Western Regions of Iran

Shahin Ranaie *

Ph.D. Student of History, History Department, Shahid Beheshti University, Iran, sh_ranaie@yahoo.com

Abstract

During the World War I, the western district of Iran was the place of military and political conflicts of the Entente and Alliance states, owing to its strategic geographical location. On the one side, it was bordered by the Ottoman Empire, and on the other side it was located under the influence of Russia. In this research, we try to consider the impacts of the World War I on the social, economic and political spheres. Based on the results of the research, large numbers of people of this area were killed due to military combats, starvation, famine and disease during the war. Cities became the military base of the hostile powers and economic and social institutions such as municipal and farming were destroyed. The domination of the central government, and the authority of local governors and political stability were exhausted.

Key words: The Western District of Iran, World War I, Germany, Russia, England

* Corresponding author

فصل نامه پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و سوم، دوره جدید، سال نهم
شماره سوم (پیاپی ۳۵)، پاییز ۱۳۹۶، صص ۱۹-۳۲
تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۰۶/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۸

بررسی تأثیرات جنگ جهانی اول بر ساختارهای اجتماعی مناطق غربی ایران

شهین رعنائی*

چکیده

در جنگ جهانی اول، مناطق غربی ایران به علت موقعیت جغرافیایی استراتژیک خود به محل رویارویی و برخوردهای نظامی و سیاسی دولت‌های متفق و متحد تبدیل شدند؛ این مناطق با امپراتوری عثمانی هم‌مرز بودند و در منطقه نفوذ دولت روسیه قرار داشتند. در پژوهش حاضر، پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جنگ جهانی اول بر این منطقه بررسی شد. براساس یافته‌های این پژوهش، جمعیت بسیاری از این منطقه بر اثر برخوردهای نظامی، گرسنگی، قحطی و بیماری‌های ناشی از جنگ کشته شدند. شهرها به پایگاه نظامی قدرت‌های متخاصم تبدیل و پایه‌های اجتماعی و اقتصادی این منطقه همانند نهادهای اجتماعی شهری و کشاورزی نابود شدند. نابودشدن نظارت حکومت مرکزی، پایمال شدن اقتدار حاکمان محلی و نابودشدن ثبات سیاسی از دیگر پیامدهای این جنگ بودند.

واژه‌های کلیدی: مناطق غربی ایران، جنگ جهانی اول، آلمان، روسیه، انگلستان.

* دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه شهید بهشتی، ایران (نویسنده مسوول) sh_ranaie@yahoo.com

مقدمه

محمدقلی مجد که به علت استناد او به اسناد رسمی منتشره دولت‌های انگلستان و ایالات متحده آمریکا، اهمیت ویژه‌ای دارد و در آن نکات بسیار مفید و استنادهای بسیار معتبری درباره قحطی و کشتار در غرب ایران آورده شده است؛ نویسنده کتاب یادشده، دیدگاه نقدکننده‌ای نسبت به حضور، سیاست‌ها و عملکرد این دولت‌ها داشته است اما این کتاب بسیاری از مسائل مطرح‌شده در پژوهش حاضر را شامل نمی‌شود. اثر پژوهشی دیگر، کتاب A پیامدها و زیان‌های ایران در جنگ جهانی اول و دوم ≡ تألیف محمدمسعود بهمنی است که در آن، پیامدهای جنگ جهانی اول در مقیاس کلی بررسی و به مناطق مختلف کشور تعمیم داده شده است و وقایع و پیامدهای آن به‌طور جزئی بیان نشده‌اند. پژوهش‌های دیگری نیز درباره موضوع پژوهش حاضر انجام شده‌اند اما مسائل این پژوهش را مدنظر قرار نداده‌اند.

رویارویی و برخورد متحدین و متفقین و ابعاد جنگ
در روز ۲۴ سپتامبر ۱۹۱۴/م ۱۳۳۲ق، ژنرال فن فالکن هاین، رئیس ستاد مشترک ارتش رایش، طی کنفرانسی سیاست‌های آلمان را برای آغاز جنگ علیه متفقین در جبهه دیگری تشریح و اظهار کرد که برای نابودی نیروی نظامی متفقین باید جبهه جدیدی در شرق گشوده شود. این سیاست هم‌زمان با ورود عثمانی، متحد آلمان، به جنگ در پیش گرفته شد و بر اساس آن، کنفدراسیونی اسلامی از عثمانی، ایران و افغانستان علیه روسیه و انگلستان تشکیل شد. عملیات نظامی گسترده علیه هندوستان و رسیدن به هند برای ضربه زدن به نیروی نظامی انگلستان از اهداف مهم این سیاست بود. راه کم‌خطرتر برای رسیدن به هندوستان از آذربایجان و کردستان عبور می‌کرد و پس از عبور از

پس از آغاز جنگ جهانی اول کشورهای مختلفی درگیر جنگ شدند و ایران یکی از کشورهایی بود که به‌علت اهمیت جغرافیایی و استراتژیک خود به محل رویارویی و برخورد دولت‌های متخاصم تبدیل شد. با وجود اعلام بی‌طرفی، دولت ایران با تهاجم کشورهای درگیر در جنگ روبه‌رو و به پایگاه نظامی دولت‌های متحد و متفق تبدیل شد. دولت‌های روسیه و انگلستان بر اساس معاهده سال ۱۹۱۵/م ۱۹۳۳ق، ایران را به دو بخش تقسیم کردند: بخش‌های شمالی در تصرف روس‌ها و نقاط جنوبی در تسخیر انگلستان قرار گرفتند. دولت عثمانی نیز مناطق غربی ایران را تصرف کرد و آلمان نیز از این راه وارد کشور شد و سیاست‌های خود را در مناطق مختلف اجرا کرد. به این ترتیب، مناطق مختلف ایران جولانگاه نیروهای متفق و متحد شدند و سیاست‌ها و حضور نظامی آنان از جنبه‌های مختلف بر ایران تأثیر گذاشتند. اگرچه پژوهش‌های مختلفی چگونگی این تأثیرات را بر عرصه ملی بررسی کرده‌اند، تأثیرات و پیامدهای این جنگ بر مناطق غربی ایران به‌علت موقعیت جغرافیایی استراتژیک و حضور نیروهای نظامی متفق و متحد در این نواحی، کمتر مدنظر قرار گرفته‌اند. همچنین، استفاده از خاطرات ساکنان محلی و اسناد رسمی درباره حوادث و وقایع جنگ بر اهمیت این پژوهش می‌افزاید. پژوهش حاضر، تأثیر جنگ جهانی اول بر زندگی ساکنان نواحی غربی ایران و شدت این تأثیرات و نیز پیامدهای جنگ در حوزه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را بررسی می‌کند.

پیامدها و تأثیرات جنگ جهانی اول بر ایران و به تبع آن، نواحی غربی در پژوهش‌های مختلفی بررسی شده‌اند، از جمله کتاب A قحطی بزرگ ≡ تألیف

می‌گرفتند، نقش ویژه‌ای در برانگیختن مردم به سمت متحدین ایفا کردند. «شیخ‌الاسلام استانبول، مبلغانی را به کردستان اعزام و آنها را به جهاد علیه روس‌ها دعوت کرد» (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۲ ق:ش:بازیابی ۵۸۰۹-۲۹۰). دولت عثمانی، مشایخ بزرگ طریقت صوفیه در عراق را برای تبلیغ جهاد و گردآوری سپاه راهی مناطق غربی و شمالی کردستان کرد. به‌علت نفوذ این مشایخ، بسیاری از عشایر گرد و ساکنان کردستان برای جهاد علیه قوای روسیه جمع شدند و جمعیت آنان به سه هزار نفر رسید. سیاست دولت عثمانی که تبلیغ با نام جهاد مسلمانان علیه کفار بود و به‌شدت از جانب آلمانی‌ها حمایت می‌شد، بر گرایش مردم به سمت متحدین و مبارزه علیه روس‌ها تأثیر بسیاری گذاشت. بر اساس مشاهدات مصطفی تیمورزاده، مشایخ صوفیه از نیروهای عثمانی استقبال گرمی کردند؛ حاکم موصل این نیروها را به بانه و شهر سقز وارد کرد. مظفرالسلطنه، حاکم شهر سقز، نیز همراه تعدادی از علمای دینی به استقبال لشکریان عثمانی شتافت (تیمورزاده، ۱۳۸۰: ۳۶ تا ۳۴).

علمای دینی و مشایخ متصوفه علاوه بر تحریک معنوی مردم، کمک‌های مالی نیز برای قشون عثمانی و داوطلبان جنگ جمع‌آوری کردند و حتی برخی از آنان به داوطلبان آموزش نظامی دادند یا به تجهیز نظامی آنها پرداختند. «جمعی از بزرگان، علمای دینی، اصناف و تجار شهر سنندج در مسجد جمع شدند و پس از مذاکرات فراوان، قرار گذاشتند که بازار را تعطیل کنند و برای افرادی که به جهاد علیه روس‌ها می‌روند، اعانه جمع کنند و یا به قشون عثمانی تحویل دهند» (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۳ ق: ش:بازیابی ۵۷۹۰-۲۹۰). فریدالدوله، رئیس اوقاف کردستان، اهالی این ولایت را جمع و آنها را به نجات اسلام و جهاد علیه متفقین دعوت کرد؛ او با مجاهدان درباره چگونگی حرکت به

مرکز و شرق ایران به افغانستان می‌رسید. بر اساس این سیاست، مناطق غربی ایران درگیر جنگ جهانی اول شدند و دولت عثمانی تلاش کرد بخش‌هایی از ایران را تسخیر کند (احرار، ۱۳۵۲: ۱ تا ۱۶). از اهداف دیگر این سیاست، بازگشایی جبهه جدیدی در جنگ و منحرف کردن توجه متفقین از خطوط اصلی آن بود. راه بغداد-کرمانشاه-همدان مناسب‌ترین و مهم‌ترین مسیری بود که آلمانی‌ها از راه آن وارد ایران می‌شدند (سایکس، ۱۳۳۵: ۶۷۸). در برنامه‌ها و اقدامات دولت آلمان برای نفوذ به ایران و از راه آن به افغانستان و هند، مناطق غربی ایران بخشی از مناطق هم‌مرز با یکی از دولت‌های متحد، یعنی عثمانی، بودند و جایگاه استراتژیک حساسی داشتند؛ زیرا روسیه در شمال‌غرب ایران و انگلستان در جنوب‌غرب و مناطق جنوبی نفوذ داشتند (مابری، ۱۳۶۹: ۱۲۲). به گفته مارلینگ (Marling)، سفیر انگلستان در ایران، راه کرمانشاه-بغداد تنها راهی بود که آلمانی‌ها قادر بودند از راه آن اخبار، پول و امکانات لازم را دریافت کنند (مابری، ۱۳۶۹: ۱۵۵).

آلمان به‌علت نداشتن سابقه استعماری، نفوذ چشمگیری در ایران و به‌ویژه بخش‌های غربی داشت. تبلیغات دولت عثمانی و فتوای روحانیان مقیم عراق مبنی بر اعلام جهاد علیه استعمارگران باعث شد که بسیاری از اقشار مردم در مناطق غربی به متحدین متمایل شوند. تمایلات مذهبی بخش زیادی از ساکنان مناطق غربی ایران، به‌ویژه کردستان، با مذهب حاکم در عثمانی هم‌خوانی داشت و این اشتراک‌های مذهبی به گرایش مردم به سیاست‌های دولت عثمانی منجر شد. نفوذ و پایگاه اجتماعی علمای دینی در این منطقه نیز از دیگر ابزارهایی بود که دولت عثمانی علیه متفقین استفاده کرد. مشایخ متصوفه و روحانیانی که از تحریک‌های مذهبی و حمایت مالی دولت عثمانی تأثیر

جبهه جنگ مباحثه کرد (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۳ق: ش بازیابی ۵۸۰۳-۲۹۰).

در کنار اقدامات روحانیان و مشایخ متصوفه برای دعوت مردم به جهاد، تعدادی از آنها مانند شیخ معروف، مردم و اتباع عثمانی را تجهیز نظامی کردند «شیخ معروف، یکی از مشایخ بزرگ گرد، از جمله افرادی بود که به اتباع عثمانی تجهیزات نظامی می‌داد» (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۳ق: ش بازیابی ۵۸۱۶-۲۹۰). برخی دیگر از روحانیان عازم جبهه جنگ شدند. شیخ علاالدین، یکی از مشایخ اورامان، عازم جنگ علیه روس‌ها شد (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۳ق: ش بازیابی ۵۸۱۶-۲۹۰). دولت عثمانی نیز تلاش می‌کرد از راه پرداخت حقوق به جهادگران، افراد بیشتری را به جنگ علیه متفقین ترغیب کند. پرداخت حقوق به افرادی که به قشون عثمانی پیوسته بودند، یکی از علت‌های افزایش تمایل مردم به جهاد بود (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۲ق: ش بازیابی ۵۷۸۱-۲۹۰). در میان طبقات مختلف مردم غرب ایران، بسیاری از عشایر که قدرت نظامی داشتند به عثمانی‌ها ملحق شدند. انگلیسی‌ها نیز با تحریک عناصر گرد علیه عثمانی‌ها، در پی جلوگیری از پیشروی نظامیان عثمانی و وادار کردن آنها به همکاری با متفقین بودند (مابری، ۱۳۶۹: ۲۵۴).

تلاش متفقین و متحدین برای جلب حمایت گروه‌ها و نیروهای مختلف اجتماعی این منطقه، سبب رویارویی اقشار مختلف، گسترش دامنه جنگ شد. پس از انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷م/۱۳۳۶ق و خروج نظامیان روسیه از ایران و تهدیدهای ناشی از فعالیت‌های جنگلی‌ها و بلشویک‌ها، نیروهای انگلیس در مناطق تخلیه‌شده از قوای روسیه و عثمانی جایگزین شدند؛ این مسئولیت به عهده ژنرال دنسترویل (Dunsterville)، یکی از فرماندهان نظامی برجسته انگلیس، بود و او باید سربازان خود را از بغداد به باکو منتقل می‌کرد (سایکس، ۱۳۳۵: ۷۵۰ تا ۷۵۲).

انگلیسی‌ها، راه بغداد-همدان را کنترل کردند که اهمیت استراتژیکی داشت و برای جلوگیری از نفوذ و اتحاد بلشویک‌ها با عناصر افراطی ایرانی، آلمانی‌ها و جنگلی‌ها و نیز برای مستقرکردن کمربند دفاعی در مرزهای غربی، سعی کردند راه ارتباطی کرمانشاه-انزلی را کنترل کنند. آنها، چریک‌های محلی را برای رسیدن به این هدف و رفع کمبود نیروهای نظامی خود استخدام کردند (مابری، ۱۳۶۹: ۳۵۸ و ۳۶۶).

پیامدهای اقتصادی

با توجه به هم‌مرزبودن مناطق غربی ایران با امپراتوری عثمانی، تجارت میان ایران و عثمانی از راه‌های ارتباطی دو کشور انجام می‌شد. امنیت اقتصادی بر اثر وقوع جنگ و گسترش آن در غرب کشور و نیز حضور قوای نظامی متفقین و متحدین و تسلط متناوب آنها بر این منطقه از بین رفت و از مبادلات بازرگانی به شدت کم شد. پس از شروع جنگ و انتشار خبر آن، تاجران و بازرگانانی که از عثمانی به شهر سقز آمده بودند، به دستور دولت متبوع خود به عثمانی بازگشتند (تیمورزاده، ۱۳۸۰: ۳۱). کاهش روابط تجاری، از نتایج مهم وقوع جنگ بود که سبب شد تجار، بازرگانان، اصناف و پیشه‌وران حرفه خود را از دست دهند (تیمورزاده، ۱۳۸۰: ۵۵). در قصرشیرین نیز دچار ضرر و زیان‌های فراوانی را متحمل شدند؛ چنان‌که پس از ورود نظامیان عثمانی، اداره تلگراف قصرشیرین منحل و خسارت‌های مالی به تجار وارد شد. وکیل‌التجار قصرشیرین با ارسال تلگرافی به مجلس شورای ملی، از مقامات مربوطه درخواست کرد که این مشکل را حل کنند (ملک‌زاده، ۱۳۹۲: ۷۹).

متفقین و متحدین، خطوط تلگرافی را که از نیازهای مبرم تجار و بازرگانان برای برقراری ارتباط با بازار تجارت جهانی بودند، تصرف و از آن در راستای اهداف نظامی استفاده کردند. این مسئله بر رکود

بودند اما ارزش چند برابری آنها در مقایسه با واحد پول ایران سبب شد کاربرد نداشتند و پس از مدتی رواج خود را از دست دهند (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۲۹۶ش: ش بازبایی ۳۹۲۰-۲۴۰).

غارث آذوقه و اموال مردم برای تأمین نیازهای نظامیان، از مهم‌ترین عوامل نابودی حیات اقتصادی مردم بود. قشون روس و عثمانی که نیروهای خود را در شهرهای مختلف ایران مستقر کرده بودند، نیاز خود به غله و آذوقه را با غارت خانه‌های مردم برآورده می‌کردند. گندم، غذای اصلی مردم، نایاب شد و مشکل کمبود نان یکی از مشکلاتی بود که مردم با آن مواجه شدند. بر اساس خاطرات مصطفی تیمورزاده، یک‌سوم اهالی سقز شهر را ترک و فرار کردند؛ آنان اموال گران بهای خود را بردند و بقیه را در منزل یهودیان پنهان کردند. پیروان شیخ‌محمود، از مشایخ صوفیه، خانه‌های یهودیان را غارت و احشام، مواشی و آذوقه مردم را تاراج کردند (تیمورزاده، ۱۳۸۰: ۵۴ و ۵۳). گندم و حبوبات، غذای اصلی مردم سقز، تصرف شدند. طی چند روز، قیمت غلات چند برابر و تورم فزاینده‌ای در بازار حاکم شد. مردم برای رفع نیازهای خود به راه‌های مختلف روی آوردند (تیمورزاده، ۱۳۸۰: ۵۵).

نظامیان روسیه با هدف تأمین جو برای اسب‌های خود به منزل نایب‌الحکومه بروجرد هجوم بردند و می‌خواستند در ازای آذوقه ضروری خود، منات یا قبض بپردازند. به علت نبودن غله در منزل نایب‌الحکومه، تصمیم گرفتند به خانه‌های مردم هجوم ببرند اما خان‌ها و علمای بروجرد تصمیم گرفتند که مسلحانه مقاومت کنند و در نهایت، روس‌ها به انبار دولتی حمله و آن را غارت کردند. روس‌ها سعی کردند که از راه دیگری به خواسته خود برسند؛ آنها به یکی از روستاهای بروجرد حمله کردند و سیزده نفر از کودکان و زنان را به قتل رساندند (سازمان اسناد ملی ایران،

اقتصادی منطقه تأثیر مستقیم و چشمگیری گذاشت. غارت و تسخیر اداره گمرک شهرهای مختلف نیز به اقتصاد این منطقه ضربه سنگینی زد؛ نیروهای متخاصم برای تأمین آذوقه و کالاهای ضروری خود گمرک را غارت کردند. شهر سقز در مسیر عبور و مرور قشون عثمانی به آذربایجان بود و مردم این شهر مجبور بودند مخارج و تجهیزات ضروری قشون عثمانی را تأمین کنند و در نتیجه، خسارت‌های مالی فراوانی را متحمل شدند. رؤسای قشون عثمانی بدون اجازه مسئولان حکومتی، نزدیک به هشت هزار تومان از اهالی این شهر گرفتند و با دعوت نظامیان بیشتر به سقز، مقاصد خود را اجرا کردند (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۳ق: ش بازبایی ۱۶۵۶-۲۹۳). نظامیان عثمانی و اشرار ایرانی، دفترهای گمرکی قصرشیرین را تصرف و چپاول کردند. منزل خصوصی رئیس گمرک این شهر، اقبال‌السلطنه، غارت شد (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م: ش بازبایی ۳۰۸۷-۲۴۰). بر اساس گفته‌های محمدتقی میرزا، از کارکنان اداره گمرک قصرشیرین، هیچ آثاری از آبادانی در اداره گمرک این شهر دیده نمی‌شد (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م: ش بازبایی ۳۰۸۷-۲۴۰).

رواج هم‌زمان و متناوب واحدهای پولی کشورهای عثمانی، روسیه و آلمان در غرب ایران، از دیگر عوامل رکود اقتصادی این منطقه بود. عثمانی‌ها در برابر گرفتن آذوقه از مردم، اسکناسی پرداخت می‌کردند که به نام بانک نوت (Banknote) بین مردم رایج شد و در بازار ارزشی نداشت (تیمورزاده، ۱۳۸۰: ۵۴). روس‌ها نیز در زمان تسلط بر مناطق غربی، واحد پولی منات را رواج دادند که خسارت‌های بسیاری به مردم وارد کرد زیرا ارزش آن چندین برابر واحد پول ایران بود و مردم از پذیرش آن خودداری کردند. در این دوران، واحدهای پولی مختلف با ارزش‌های متفاوت در دسترس مردم

۱۲۹۶ش: ش بازبایی ۱۲۱۲۹-۲۴۰). حکومت مرکزی برای کاهش تلفات جانی ناشی از هجوم روس‌ها به خانه‌های مردم، فرمان یاری مسئولان حکومت‌های محلی به روس‌ها برای برآوردن نیازهای خود را صادر کرد «به فرمان وزارت مالیه با هدف رفاه نظامیان روسیه برای تأمین آذوقه‌ای که نیاز داشتند باید تمام جنس دولتی در کرمانشاه و کردستان به نماینده مباشرت قشون روسیه تحویل شود و چنانچه در این مناطق به اندازه کافی جنس یافت نشود، مأموران دولتی موظف به گرفتن غله و آذوقه از مناطق دیگر هستند» (سازمان اسناد ملی ایران، بی‌تا: ش بازبایی ۲۹۳-۲۴۰).

شهر گروس محل استقرار نظامیان روس بود و نزدیک به ششصد هزار نفر از نظامیان روسیه در این شهر مستقر بودند. آنان روزانه پنجاه خروار گندم و یک خروار و پنجاه من نان به قیمت‌های مختلف ۱۵، ۱۸ و ۲۰ تومان از اداره مالیه این شهر می‌گرفتند و در ازای آن، پول منات می‌پرداختند که ۵ تا ۳۵ شاهی ارزش داشت. آنان مانع حمل گندم و جو از روستاها به شهر می‌شدند و با پرداخت قبوض و منات، خسارت بسیاری به اداره امور مالی تحمیل کردند و گاهی نیز مبلغی نمی‌پرداختند (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۶ق/۱۲۹۶ش: ش بازبایی ۳۹۲۰-۲۴۰). بر اساس گفته‌های اداره مالیه گروس اگر این اداره نیازهای قشون روس را برآورده نمی‌کرد، آنها غله و جنسی باقی نمی‌گذاشتند تا به‌عنوان مالیات پرداخت یا در امور دیگر صرف شود. اداره بارها از دادن جنس امتناع کرد اما قشون روس تهدید کردند که آنجا را غارت می‌کنند و اداره مالیه به‌ناچار احتیاجات روس‌ها را برآورده می‌کرد (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۶ق/۱۲۹۶ش: ش بازبایی ۳۹۲۰-۲۴۰).

علاوه بر اقدامات روس‌ها، عثمانی‌ها و آلمانی‌ها که زبان‌های اقتصادی و مالی بر مردم این منطقه تحمیل

می‌کردند، نیروهای نظامی هندی که در خدمت انگلیس بودند نیز بر وخامت اوضاع می‌افزودند. نظامیان هندی بسیاری از روستاهای غرب ایران را غارت کردند و نیروهای قزاق برای سرکوب کردن آنها به این روستاها اعزام شدند (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۳ق: ش بازبایی ۱۶۵۶-۲۹۳). علاوه بر تعدی متخاصمان به ذخیره‌ها و آذوقه‌های مردم، ایل‌ها و عشایر نیز از آشفستگی و هرج و مرج حاکم بر منطقه استفاده و روستاها و شهرها را غارت می‌کردند. وقوع خشکسالی و قحطی نیز موجب تشدید فشارهای اقتصادی بر مردم شد. مالکان، زمین‌داران و ثروتمندان با احتکار غله سبب افزایش قیمت محصولات کشاورزی و نایاب شدن غله و نان در نواحی مختلف شدند. افزایش قحطی و گرسنگی میان فقرا مشهود بود و بیشتر قربانیان آن، از همین قشر بودند «در سال ۱۲۹۶ش، به علت وقوع خشکسالی و قحطی، فشار بیشتری بر مردم وارد شد. علاوه بر تعدی روس‌ها، اشرار و عشایر به مردم شهر تجاوز کردند. عشایر گلباغی و مندومی، یک‌سوم روستاهایی که در گروس وجود داشتند را غارت کردند. وضع مالیات بر روستاهای ویران شده نیز موجب چند برابر شدن مشکلات مردم شد» (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۶ق/۱۲۹۶ش: ش بازبایی ۱۶۵۶-۲۹۳).

خشکسالی و آفت نیز بر وخامت وضعیت محصولات کشاورزی می‌افزود و حاصلخیزترین نواحی مناطق اشغالی نیز برای تأمین مواد غذایی ضروری خود در تنگنا بودند (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۵ق/۱۲۹۶ش: ش بازبایی ۴۳۷۷-۲۴۰). کمبود غله و نان در همدان، حتی در زمان برداشت محصول، خطر قحطی و گرسنگی را گوشزد می‌کرد (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۵ق: ش بازبایی ۴۳۷۷-۲۴۰). محترکان غله و آذوقه را احتکار می‌کردند و مسئولان حکومتی به این مسئله توجه نمی‌کردند و این امر، باعث افزایش مرگ‌ومیر فقرای شهر همدان می‌شد. برای حل این مشکل، هیئت وزرا طی

بودند. در اثر بمباران هوایی انگلیسی‌ها، خسارت‌های بسیاری به مناطقی وارد شد که در مسیر قصرشیرین به کرمانشاه قرار داشتند و بسیاری از نفوس، اموال، آذوقه و حیوانات اهلی کردهای سنجابی ساکن این مناطق از بین رفتند (سایکس، ۱۳۳۵: ۷۵۰ تا ۷۵۲). پس از پایان جنگ، وخامت اوضاع اقتصادی همچنان تداوم داشت. اراضی کشاورزی چنان نابود شده بودند که حکومت از روش‌های مختلفی برای احیای آنها استفاده کرد و گرفتن مالیات از این اراضی را به تأخیر انداخت یا کشاورزان را از پرداخت مالیات معاف کرد «وضعیت املاک کرمانشاه و کردستان حتی در سال ۱۳۰۱ش، به حدی بد بود که گرفتن مالیات از این املاک باعث ایجاد مشکلات بسیاری برای ساکنان این مناطق می‌شد. با توجه به خرابی املاک کشاورزی در کردستان، وزارت مالیه کمیسیونی با حضور رئیس اداره مالیه و رؤسای ادارات دولتی و برخی مردم تشکیل داد؛ در این کمیسیون تصمیم گرفتند که روستاهای نسبتاً آباد مالیات خود را همانند گذشته بپردازند، املاکی که نصف آبادی گذشته را دارند کل مالیات خود را پرداخت کنند، املاکی که آبادی آنها کمتر از نصف گذشته باشد تا سه سال، نصف مالیات را پرداخت کنند و پس از سه سال، تمام مالیات خود را بپردازند و املاکی که کامل ویران شده‌اند تا پنج سال از پرداخت مالیات معاف باشند» (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۰۱ش: ش بازبایی ۱۹۶۹۳-۲۴۰).

پیامدهای سیاسی

از پیامدهای سیاسی جنگ، تسلط نمایندگان سیاسی و فرماندهان قشون نیروهای متخاصم بر حکومت‌های محلی بود. در کردستان، حکومت‌های محلی در کنترل قشون عثمانی یا روس بودند. در شهر کرمانشاه، آلمانی‌ها بر اوضاع مسلط بودند و حاکم کرمانشاه به شدت متأثر از سیاست‌های آنها بود. شوونمان

قراردادی تصمیم گرفت غله با نرخ کمتر به فقرا واگذار کند و از رئیس اداره مالیه همدان تقاضا کرد که مقدار مشخصی غله به نیازمندان اختصاص دهد (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۶ق/۱۲۹۶ش: ش بازبایی ۴۳۷۷-۲۴۰). برخلاف این قرارداد، رئیس اداره مالیه همدان از پرداخت مقدار اعانه یادشده به فقرا خودداری کرد و بدتر شدن وضعیت فقرا را باعث شد (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۶ق/۱۲۹۶ش: ش بازبایی ۴۳۷۷-۲۴۰). اداره مالیه همدان در اسفندماه ۱۲۹۶ش/۱۹۱۸م، تلگرافی به وزارت امور مالی ارسال و به شدت بر وخامت اوضاع همدان تأکید کرد (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۶ق/۱۲۹۶ش: ش بازبایی ۴۳۷۷-۲۴۰).

محصول سال ۱۲۹۶ش/۱۹۱۸م همدان، یک‌سوم سال‌های پیش بود و نظامیان روس هم از محصولات تازه برداشت‌شده استفاده می‌کردند. نبودن وسایل حمل‌ونقل موجب تشدید کمبود غله و آذوقه شده بود؛ حمل ده هزار خروار جنس دولتی، تنها راه نجات شهر از قحطی و گرسنگی بود و نبودن راه‌های ارتباطی مناسب مانع انجام این اقدام می‌شد (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۵ق/۱۲۹۶ش: ش بازبایی ۴۳۷۷-۲۴۰). زیاده‌خواهی مؤدیان مالیاتی و مأموران اداره مالیه و تعدی آنها به مردم، قحطی و گرسنگی را دوچندان کرد و سبب شکایت مردم به وزارت داخلی شد (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۶ق/۱۲۹۶ش: ش بازبایی ۴۳۸۱-۲۴۰). علاوه بر حضور نیروهای متخاصم، وجود فساد گسترده در سیستم اداری باعث بدتر شدن تأثیرات ناشی از جنگ شد و به عبارتی، عوامل داخلی بستر ساز تشدید خسارت‌های مالی وارده بر مردم شدند.

پس از انقلاب کمونیستی ۱۹۱۷م/۱۳۳۶ق و خروج نظامیان روسیه از ایران، نظامیان انگلیسی جایگزین روس‌ها و عثمانی‌ها شدند و ساکنان غرب ایران، زیان‌های مالی بسیاری را متحمل شدند که ناشی از حضور انگلیسی‌ها

(Shwnman)، نماینده دولت آلمان در کرمانشاه، به حاکم منطقه تبدیل شد و کنسول انگلیس و روسیه را از شهر اخراج کرد و آنها به همدان فرار کردند (احرار، ۱۳۵۲: ۲۰۶). با ورود ترک‌های عثمانی به همدان، حاکم این شهر که هواخواه روس‌ها بود از مسند قدرت برکنار و منزل‌های مردم، به‌ویژه اتباع انگلیس و روس، غارت شدند (فروتن، ۱۳۹۰: ۲۰۴).

در شهر همدان، آلمان‌ها کنسولگری تأسیس و نیروهای برای حفاظت از آن استخدام کردند. نیروهای عشایر و طرفداران آلمان، کنسول‌های روسیه و انگلیس را از شهر اخراج کردند (فروتن، ۱۳۹۰: ۲۱۲ تا ۲۱۴). نبود نظارت مناسب و کافی حکومت مرکزی بر این منطقه، سبب تزلزل و بی‌ثباتی اوضاع سیاسی شد «در سال ۱۹۱۳ میلادی، اتباع عثمانی به دفتر گمرک شهر سنندج حمله و منزل مسکونی رئیس گمرک را غارت کردند. مسیو کیاری، رئیس اداره گمرک سنندج، طی این تهاجم به تهران مراجعت کرد؛ اما پس از چند سال، اداره کل خزانه‌داری اقدامی برای رفع این مشکل انجام نداد» (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م: ش بازبایی ۸۲۴۷-۲۴۰). علاوه بر نظارت‌نداشتن حکومت مرکزی بر منطقه، منصوب‌نشدن حاکم محلی از پایتخت نیز سبب تسلط بیشتر متخاصمان بر منطقه شد. همچنین، رقابت نیروهای داخلی برای رسیدن به قدرت، سبب تسلط و نفوذ بیشتر قدرت‌های حاضر و اشرار بر منطقه شد.

قدرت و نفوذنداشتن نایب‌الحکومه کردستان، مشکلات بسیاری در تنفیذ فرمان‌های حکومتی در کردستان ایجاد کرد و با وجود تذکرات بسیار به وزارت خارجه برای اعزام کردن حاکمی مقتدر و بانفوذ به منطقه، اقدامی انجام نشد (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۴ق: ش بازبایی ۸۲۴۷-۲۴۰). حکومت مرکزی، حاکمی برای شهر سنندج و نواحی مختلف آن منصوب

نکرد و این، سبب افزایش و گسترش آشفتگی‌ها شد و به همین علت، به غارت و چپاول اداره گمرک شهر سنندج رسیدگی نشد که قشون عثمانی آن را غارت داده بودند (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۵ق/۱۲۹۶ش: ش بازبایی ۸۲۴۷-۲۴۰؛ ۱۳۳۳ق: ش بازبایی ۱۶۵۶-۲۹۳). حکومت مرکزی، حاکمی برای شهر سقز فرستاد و این مسئله سبب رقابت و برخورد بزرگان، علما و زمین‌داران شد، بر آشفتگی اوضاع شهر افزود و باعث مهاجرت مردم شهر به نواحی دیگر شد (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۳ق: ش بازبایی ۱۶۵۶-۲۹۳).

از دیگر پیامدهای سیاسی این جنگ، تشکیل حکومت موقت ملی در کرمانشاه بود. بیشتر اعضای این حکومت، طرفداران سیاست‌های آلمان بودند. آنها با هدف حفظ استقلال ایران و مبارزه با تسلط انگلیس و روسیه بر کشور، از پایتخت خارج شدند و پس از استقرار کوتاه‌مدت در کاشان به کرمانشاه مهاجرت کردند؛ آنها در این شهر که بیشتر ساکنان آن از هواخواهان متحدین بودند، حکومت موقت ملی و مجلس موقت را تأسیس کردند. حکومت موقت ملی، مناطق غربی ایران را کنترل می‌کرد و حاکمان محلی شهرها را نظام‌السلطنه مافی، حاکم لرستان و سپس رئیس حکومت موقت ملی، منصوب می‌کردند. مبارزه با تهدید قشون روس و انگلیس، دفع دشمنان خارجی، برقراری روابط دوجانبه میان ایران و متحدین و عقد قرارداد با آنها، برقراری نظم و امنیت و جلوگیری از هرج‌ومرج در نواحی مختلف کشور و نیز تأمین استقلال سیاسی، جغرافیایی و اقتصادی ایران از جمله اهداف تشکیل حکومت و مجلس موقت ملی بودند (احرار، ۱۳۵۲: ۶۴۰ تا ۶۴۲).

پس از اینکه قوای روس، کرمانشاه را تصرف کردند، حکومت موقت ملی فروپاشید و اعضای حکومت و مجلس موقت به قصر شیرین مهاجرت کردند و از

به جنگ دعوت و به‌طور رسمی علیه متفقین اعلام جنگ کرد. او به درخواست کنت کائیتز (Count Kaunitz)، از فرماندهان نظامی آلمان، علیه متفقین اعلام جنگ کرد و گفت چنانچه وزارت خارجه و شاه توافق کنند، جنگ رسمی می‌شود و در غیر این صورت، او دولت مستقلی تشکیل می‌دهد و وارد جنگ می‌شود؛ او چند شرط مانند حفظ تمامیت ارضی ایران، جبران خسارت‌های وارده به اموال شخصی خود، نظامیان ایرانی و مردم و نیز تهیه لوازم و آلات جنگ را مطرح کرد. نظام‌السلطنه، خان‌ها و رؤسای قبیله‌ها را در نواحی مختلف لرستان، کرمانشاه و کردستان به جنگ دعوت و تدبیرهای لازم برای این کار را فراهم کرد (قائم‌مقامی، بی‌تا: ۵۵ تا ۵۱).

پیامدهای اجتماعی

از مهم‌ترین پیامدهای اجتماعی جنگ جهانی اول در غرب ایران، نابودی جمعیت چشمگیری در این نواحی بود. رویارویی نیروهای نظامی متفقین و متحدین و حضور مداوم و متناوب آنها در این منطقه به قتل و کشتار بسیاری از مردم منجر شد؛ از عوامل مهم این قتل و کشتار، مقاومت مردم در برابر خواسته‌های آنها بود. علاوه بر حضور نیروهای نظامی دولت‌های متخاصم، رقابت و درگیری میان ایل‌ها، عشایر و اشرار منطقه و تجاوزهای آنها موجب کشته‌شدن تعداد زیادی از مردم شد. نبود ثبات سیاسی، هرج‌ومرج و آشفتگی حاکم بر شهرها و روستاهای منطقه نیز از عوامل مهم افزایش قربانیان جنگ بودند. مواجهه نیروهای ژاندارمری حامی آلمانی‌ها با ایلات و عشایر در بروجرد و مبارزه علیه آنها باعث نابودی بسیاری از ساکنان بروجرد و اموال آنها شد. رضاقلی قائم‌مقامی، مترجم فرمانده

آنجا به عثمانی پناهنده شدند (احرار، ۱۳۵۲: ۶۸۸ و ۶۸۹). پس از وقوع انقلاب روسیه و خروج نظامیان روس از مناطق غربی ایران، اعضای حکومت موقت به کرمانشاه بازگشتند و حکومت تشکیل دادند و حاکم برای نواحی غربی ایران منصوب کردند. پس از ورود نظامیان انگلیس به غرب ایران، دوباره این حکومت فروپاشید و اعضای حکومت به عثمانی پناهنده شدند (احرار، ۱۳۵۲: ۹۹۶ تا ۱۰۰۰). حکومت موقت ملی، شهرهای کردستان، همدان، کرمانشاه، بروجرد و لرستان را قلمرو حکومت خود اعلام کرد و اقدامات امنیتی بسیاری برای کاهش نفوذ روس‌ها در غرب انجام داد (فروتن، ۱۳۹۰: ۱۸۰ و ۱۸۱).

طرفداری از دولت‌های متفق و متحد در شهرها و نقاط مختلف غرب کشور موجب تأسیس گروه‌ها و احزاب سیاسی شد. دموکرات‌ها و آزادی‌خواهان شهر همدان به حمایت از متحدین، کمیته‌های دفاع ملی را تأسیس کردند. حزب دموکرات، یکی از احزاب مهم و تأثیرگذار در همدان، نقش مهمی در گسترش اندیشه‌های ضد استعماری روسیه و انگلیس داشت. نهاد مطبوعاتی این حزب، اتحاد، الفت، جمالیه و اثر انقلاب بود. یکی از اصول مهم سیاست خارجی حزب، طرفداری از آلمان برای مبارزه با نفوذ انگلستان بود. بسیاری از اعضای حزب در زمان مهاجرت نمایندگان مجلس به کرمانشاه و تشکیل مقاومت ملی به آنها پیوستند. پس از انقلاب روسیه، دموکرات‌های همدان برای ضربه‌زدن به انگلیسی‌ها با جنگلی‌های گیلان ارتباط برقرار کردند (فروتن، ۱۳۹۰: ۱۲۹ تا ۱۳۹).

از دیگر نتایج سیاسی جنگ جهانی اول، تلاش حاکمان ایالت‌ها برای دستیابی به قدرت بیشتر و تشکیل حکومتی مستقل از حکومت مرکزی بود. نظام‌السلطنه مافی، از حاکمان محلی، برای پیوستن

جلوگیری کنند. در کردستان، اشرار با استفاده از وضع موجود، ظلم بسیاری به مردم کردند و تعداد کم قزاق‌های مستقر در این ناحیه نتوانستند از تعدی و تجاوزهای آنها جلوگیری کنند (سازمان اسناد ملی ایران، بی‌تا: ش بازبایی ۱۶۵۶-۲۹۳). در شهر کرمانشاه نیز بسیاری از مردم بر اثر تحریک‌های آلمانی‌ها علیه حکومت امیرمفخم، حاکم کرمانشاه، شورش کردند و هرج و مرج در شهر ایجاد شد. با توجه به کمبود نیروهای ژاندارم، وقوع خونریزی و اغتشاش و تعطیلی بازار بسیار نزدیک بود (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۳ ق: ش بازبایی ۱۱۷۳-۲۹۳). به دنبال هجوم قشون عثمانی به قصرشیرین، مردم برای جلوگیری از تعرض نظامیان به کوه‌ها پناه بردند اما سه نفر از ساکنان کشته شدند. در هجوم اول عثمانی‌ها به کرند صدوده نفر و در سومین حمله آنها دوازده نفر به قتل رسیدند (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۴ ق: ش بازبایی ۳۰۸۷-۲۴۰).

از دیگر پیامدهای اجتماعی مهم جنگ، پیدایش اقشار و گروه‌های اجتماعی جدید در منطقه بود که به دنبال حضور نیروهای نظامی متخاصم شکل گرفتند. پورتراچی قشر جدیدی بود که پس از حضور روس‌ها در منطقه پدیدار شد. آنها به‌عنوان نمایندگان قشون روس به نواحی مختلف می‌رفتند و آذوقه ضروری نظامیان را تأمین می‌کردند. این افراد از بومیان این نواحی بودند و به‌علت آشنایی بیشتر با منطقه، احتیاجات آنها را به‌خوبی برآورده می‌کردند (مامقی، ۱۳۹۱: ۲۸). اوضاع آشفته شهرها نیز موجب شد که تعدادی از اعضای جامعه، گروه‌های اجتماعی تأسیس کنند. هدف این گروه‌ها، یاری‌رساندن به اقشار آسیب دیده و کم‌کردن خسارت‌های ناشی از حضور متخاصمان بود. گرایش‌های سیاسی این گروه‌ها به حزب دموکرات متمایل بود و با حمایت ثروتمندان

نیروهای ژاندارمری در این منطقه و شاهد عینی این حوادث، می‌گوید: «پس از کشته‌شدن تعداد زیادی از نیروهای ژاندارمری توسط تعدادی از ساکنان روستای کیوره بروجرد، مازور دماره فرمان حمله به این روستا را صادر کرد و دسته‌ای از نیروهای ژاندارمری به تمامی خانه‌ها و عمارات روستایی و اماکن و انبارهای سوخت و ارزاق مردم حمله کرده و به آتش کشیدند و تعدادی از ساکنان روستا به انتقام کشته‌شدن نیروهای ژاندارم به قتل رسیده و اجساد آنان در گودالی به‌صورت دسته جمعی زیر خاک دفن گردید» (فائز مقامی، بی‌تا: ۲۷ و ۲۸). تسلط‌نداشتن حکومت مرکزی و حکومت‌های محلی بر اوضاع سیاسی، نظامی، اجتماعی، شیوع قحطی و خشکسالی و پس از آن، کمبود مواد غذایی و نایاب‌شدن غلات و نان از عوامل مهم مرگ‌ومیر بسیاری از مردم بودند؛ کشته‌شدن هزاران نفر در غرب ایران بر اثر قحطی و گرسنگی باعث کم‌شدن جمعیت این منطقه شد (سازمان اسناد ملی، ۱۳۳۶ ق/۱۲۹۷ ش: ش بازبایی ۴۷۴۵۰-۲۴۰). با نظارت‌نکردن حکومت مرکزی بر مناطق غربی، مسئولان حکومتی قتل و غارت مردم را تشدید کردند و بسیاری از شدت گرسنگی از بین رفتند؛ به‌صورتی‌که تمام اهالی یک روستا از گرسنگی جان باختند (مامقی، ۱۳۹۱: ۳۸ تا ۳۹). ناتوانی اداره مالیه همدان در پرداخت حقوق به اداره نظمی سبب شد که رئیس اداره نظمی از مقام خود کناره‌گیری کند و این، بی‌نظمی و ناامنی در شهر را افزایش داد (سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۳۶ ق/۱۲۹۶ ش: ش بازبایی ۴۳۷۷-۲۴۰). نبود نیروی نظمی کافی و کمبود تعداد نیروهای قزاق و ژاندارم برای تأمین نظم شهرها و روستاها باعث ناامنی اجتماعی شد و به آشوب‌ها دامن زد و بستر مناسبی برای اجرای سیاست‌های متخاصمان فراهم کرد. تعداد نیروهای قزاق و ژاندارم به‌حدی کم بود که نمی‌توانستند نظم را برقرار و از اغتشاشات

بیماری‌های مسری از پیامدهای مستقیم جنگ بود. کاهش نیروی انسانی که یکی از پایه‌های رشد اقتصادی است، تأثیر بلندمدتی بر بهبودنیافتن اقتصاد منطقه پس از پایان جنگ داشت. رویارویی‌های عشایر و گرایش‌های سیاسی خان‌ها سبب گسترش آشفتگی‌ها و از بین رفتن امنیت اجتماعی شدند. عشایر با قدرت نظامی خود و در اختیار داشتن نیروهای مسلح قبیله‌ای در پیروزی دو طرف جنگ و پیشروی سیاست‌های دولت‌های متخاصم نقش داشتند. بنابراین، قبایل و ایل‌ها از نقاط اتکای متحدین و متفقین برای پیشبرد اهداف بودند و در این راستا، از این نیروها بهره‌برداری می‌کردند. پیدایش گروه‌های اجتماعی و احزاب در راستای منافع قدرت‌های حاضر در جنگ، از دیگر پیامدهای جنگ است. برخی از این گروه‌ها با هدف کاهش میزان تأثیرات مخرب اجتماعی و جلوگیری از افزایش و گسترش فقر تشکیل شدند.

از پیامدهای سیاسی جنگ، تشکیل حکومت موقت ملی در کرمانشاه و تلاش این حکومت برای برقراری امنیت و گسترش اقتدار خود در این منطقه بود. کاهش نظارت حکومت مرکزی بر حکومت‌های محلی باعث شد که برخی از حاکمان محلی حکومتی مستقل ایجاد کنند. ایجاد تنش‌های سیاسی میان طبقات و اقشار مختلف جامعه و نفوذ بیشتر متخاصمان در بین مردم از دیگر پیامدهای جنگ بود که به علت نبود حکومت‌های باثبات و مقتدر محلی تشدید می‌شد.

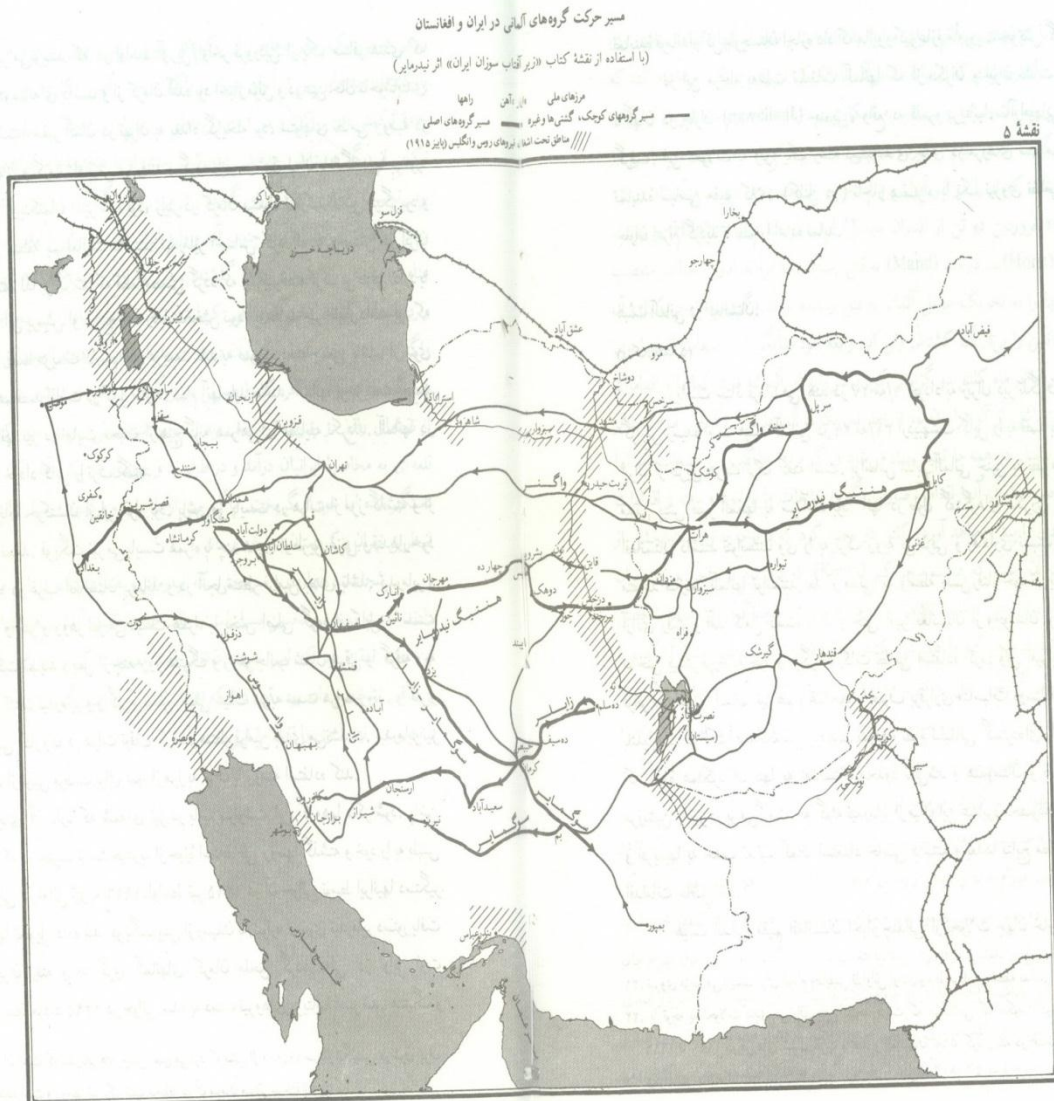
شهر به حیات خود ادامه دادند. جمعیت دموکرات سقز برای یاری‌رساندن به آسیب‌دیدگان شهر بنیان‌گذاری شد. تعداد اعضای این جمعیت که با نام حوزه خوانده می‌شد، دوازده نفر و جمع‌آوری پول و اعانه به نفع فقرا از جمله اقدامات آنها بود. تأسیس چند باب نانوايي برای یاری‌رساندن به فقرا از جمله کارهایی بود که اعضای این جمعیت انجام دادند (تیمورزاده، ۱۳۸۰: ۵۹).

نتیجه

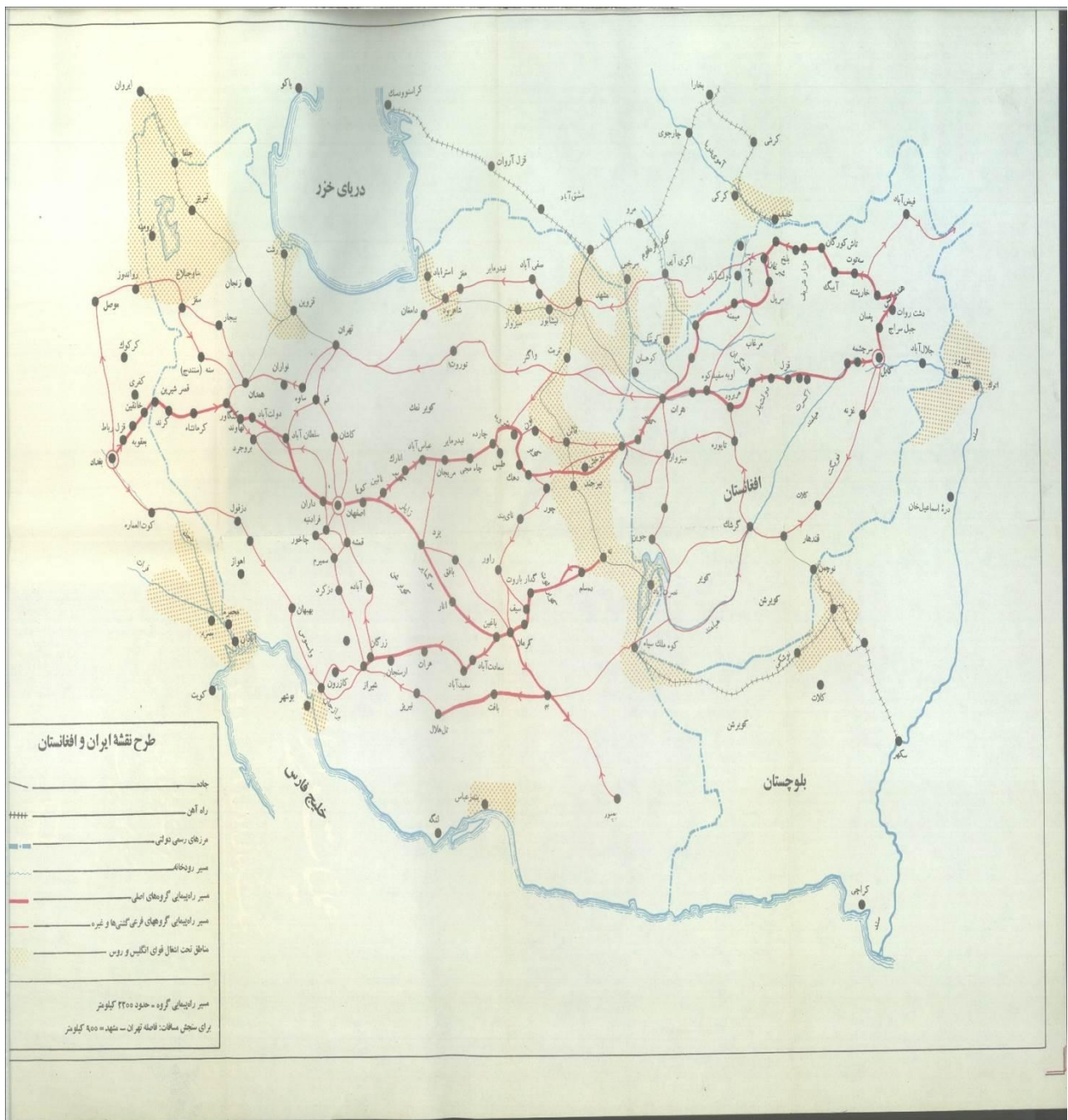
جنگ جهانی اول تأثیرات چشمگیری بر عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مناطق غربی ایران داشت. با شیوع جنگ در این نواحی، خسارت‌های جبران‌ناپذیری به ساختارهای پایه‌ای اقتصاد شهرها و روستاها وارد شد. به‌علت استقرار نیروهای متخاصم و تبدیل شهرها به پایگاه نظامی آنها و برخورد میان متفقین و متحدین، ساختارهای شهری از بین رفتند. از راه‌های ارتباطی، خطوط تلگرافی، سیستم حمل‌ونقل، گمرک و بازار تجارت برای بهره‌برداری نظامی استفاده شد و این زیرساخت‌ها نابود شدند و ضربه سنگینی به اقتصاد این منطقه زده شد. نیروهای متخاصم، مواد غذایی را غارت کردند و سبب افزایش تورم و فقر به‌ویژه در روستاها شدند. کشاورزی، پایه اصلی اقتصاد منطقه، به‌علت عبور و مرور نیروهای متخاصم و چپاول محصولات کشاورزی از بین رفت. قبایل و عشایر به دور از نظارت حکومت‌های محلی و قدرت حکومت مرکزی، روستاها و تولیدات کشاورزی را غارت و تصرف و خسارت‌های مادی را تشدید کردند.

کاهش جمعیت منطقه بر اثر برخوردهای نظامی، قحطی، گرسنگی، کمبود مواد غذایی و گسترش

نقشه ۱. مسیر حرکت گروه‌های آلمانی در ایران و افغانستان



نقشه ۲. راه‌ها و مسیرهای حرکت گروه‌های راهپیمایی نیروهای متخاصم مستقر در ایران به سمت افغانستان



کتابنامه

الف. کتاب‌های فارسی

اقتدار دولت مرکزی ۱۳۰۲-۱۲۹۳، تهران: پژوهش شیرازه.
سایکس، سر پرسبی، (۱۳۳۵)، تاریخ ایران، ترجمه سیدمحمدتقی فخرداعی گیلانی، ج ۲، چ ۲، تهران: موسسه مطبوعاتی علی‌اکبر علمی.

احرار، احمد، (۱۳۵۲)، توفان در ایران، تهران: نوین..
تیمورزاده، مصطفی، (۱۳۸۰)، وحشت در سقز، نگاهی به تحولات کردستان در فاصله جنگ جهانی تا اعاده

- ۱۶۵۶- . فروتن، مجید، (۱۳۹۰)، اوضاع سیاسی-اجتماعی همدان در جنگ جهانی اول، تهران: کتابدار، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ۲۹۳ . قائم‌مقامی، رضاقلی، (بی‌تا)، وقایع غرب ایران در جنگ جهانی اول؛ یادداشتهای نظامی، اراک: چاپخانه فروردین.
- ۳۹۲۰- . مابریلی، جیمز، (۱۳۶۹)، عملیات در ایران؛ جنگ جهانی اول (۱۹۱۹-۱۹۱۴)، ترجمه کاوه بیات، تهران: رسا.
- ۲۴۰ . مامقی، ملاعلی (امین‌الشریعه)، (۱۳۹۱)، ذکر صدمات؛ اوضاع شهرستان قروه در جنگ جهانی اول به روایت ملاعلی مامقی (امین‌الشریعه)، به کوشش محسن صالحی، سندج: دانشگاه کردستان.
- ۲۴۰ . ملک‌زاده، الهام و دیگران، (۱۳۹۲)، جنگ جهانی اول و دوم در ایران به روایت اسناد، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ب. اسناد
- ۵۸۰۹- . سازمان اسناد ملی ایران، سال ۱۳۳۲ق، ش بازبایی ۲۹۰
- ۵۷۹۰- . سال ۱۳۳۳ق، ش بازبایی ۲۹۰
- ۵۸۰۳- . سال ۱۳۳۳ق، ش بازبایی ۲۹۰
- ۵۸۱۶- . سال ۱۳۳۳ق، ش بازبایی ۲۹۰
- ۵۷۸۱- . سال ۱۳۳۲ق، ش بازبایی ۲۹۰
- ۵۸۰۹- . سال ۱۳۳۲ق، ش بازبایی ۲۹۰
- ۷۹۲۶- . سال ۱۹۱۴م، ش بازبایی ۲۴۰
- ۱۳۳۳ق، ش بازبایی ۲۹۳ .
- سال ۱۳۳۳ق، ش بازبایی ۲۹۳-۳۳۹۶ .
- سال ۱۳۳۴ق/۱۹۱۶م، ش بازبایی ۲۴۰-۳۰۸۷ .
- سال ۱۲۹۶ش، ش بازبایی ۳۹۲۰-۲۴۰ .
- سال ۱۲۹۶ش، ش بازبایی ۱۲۱۲۹-۲۴۰ .
- سال ۱۳۳۶ق/۱۲۹۶ش، ش بازبایی ۲۴۰-۲۹۳ .
- سال ۱۳۳۶ق/۱۲۹۶ش، ش بازبایی ۲۴۰-۳۹۲۰ .
- سال ۱۳۳۵ق/۱۲۹۶ش، ش بازبایی ۲۴۰-۴۳۷۷ .
- سال ۱۳۳۶ق/۱۲۹۶ش، ش بازبایی ۲۴۰-۴۳۸۱ .
- سال ۱۳۰۱ش، ش بازبایی ۱۹۶۹۳-۲۴۰ .
- سال ۱۳۳۳ق/۱۹۱۵م، ش بازبایی ۲۴۰-۸۲۴۷ .
- سال ۱۳۳۶ق/۱۲۹۷ش، ش بازبایی ۲۴۰-۴۷۴۵۰ .
- سال ۱۳۳۳ق، ش بازبایی ۱۱۷۳-۲۹۳ .